

مهدی آگاه عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران در دومین گردهمایی این انجمن مطرح کرد:

دولت بزرگ ناتوان از اصلاحات اقتصادی است



تمدن بشری را داشتیم و با سرعتی که ذخایر طبیعی خود را نابود می‌کنیم بعید نیست که پایین‌ترین رتبه‌ی را در این مقیاس در آینده‌ی نه چندان دور تجربه کنیم. او در تشریح دیگر دلایل منفی برای این‌که چرا باید در کاشت احتیاط کرد، هم ادامه داد: سومین دلیل، هزینه‌ی بالا ارزش جایگزینی آب است. در زمان شروع کار شما صاحب آب و زمین بودید. در صورتی شما می‌توانید چیزی را سود حساب کنید و بگذارید در جیب‌تان که اصل مایه‌ی شما حفظ شده باشد، یعنی سر مایه باشید. با قوانین فعلی ایران نه از زمین‌تان می‌توانید مطمئن باشید که سر جایش است، نه آب‌تان. زمین‌تان با لغو قاعده مرور زمان در اسناد ثبتی توسط شورای نگهبان، هر آن در معرض تملک مدعیان و یا جاعلان می‌باشند. در صورت تمایل می‌توانید جزییات آن را در بخش مقالات عمومی انجمن ملاحظه کنید. او ادامه داد: وضعیت آب از زمین بدتر است. چون در این ۴۰ سال، می‌تواند قانون تعیین تکلیف چاه‌های غیر مجاز تصویب شود و هر چه که شما داشتید به غیر ببخشند و جریمه‌اش را هم از شما بگیرند. این ریسک‌هایی است که درون این صنعت وجود دارد. او خاطرنشان کرد: جز عواملی که در درون صنعت موثر است، باید به پاره‌ای از عوامل بیرونی هم توجه داشت. این عوامل بیرونی داستان جالب‌تری دارد. متغیرهای اقتصادی از دست پنهان آدم اسمیت گرفته شده و به دست بوروکرات‌ها داده شده است. مثلاً در اوایل دهه‌ی شصت تصمیم گرفتند که ما باغداران هزینه پسته را با دلار هفت تومان پرداخت کنیم، ولی فروشان را با دلار ۱۵۰ تومان انجام دهیم و همه هم خوشحال باشیم که عجب مخ اقتصادی داریم.

آگاه افزود: مطلب بعدی نرخ بهره است که رابطه‌ی با علم که هیچ، با تجربه‌ی بقال هم ندارد. افرادی در موضع تصمیم‌گیری هستند که می‌گویند به چه کسی وام داده شود! به چه کسی وام داده نشود! چه صنعتی خوب است! چه صنعتی بد است! و بوروکراتی که پدر اقتصاد شده تصمیم

می‌توان تحولات بازار را مدیریت کرد. زمانی که پسته ارزان هست، نفروشید. باغدارهای پسته کاملاً با این مفاهیم آشنا هستند و پسته سه ساله یا چهار ساله را می‌فروشند و ممنوعیتی هم ندارد.

نکته سوم این است که درخت پسته کمترین وابستگی را به ارز در بحران‌ها دارد. معمولاً بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ما توام با کمبود ارز است؛ مثل بحران ملی شدن صنعت نفت زمان مرحوم مصدق، یا تحریم‌های اخیر که پیش آمد. آگاه در تشریح دلایل منفی و این‌که چرا باید در کاشت احتیاط کرد، هم گفت: مدت زمان بازگشت سرمایه در پسته خیلی طولانی است. شما ده سال سرمایه‌گذاری می‌کنید. تخمین ما این است که حدود ۴۰ سال باید دوره بهره‌برداری شما طول بکشد و در تمام این ۴۰ سال در معرض خطرانی هستید

خطر بسیار بزرگی که شما را تهدید می‌کند سرقت آب در بالا دست است. این اتفاقی است که در همه‌ی حوضه‌های آبی افتاده است. یعنی قاعده قرآنی "لا ضرر و لا ضرار" که مبنای قانون مدنی و اسلام و عرف بوده زیر پا گذاشته شده است.

او با اشاره به وجود نگرشی در برخی از افراد در کشور مبنی بر این‌که کسانی که بالادست حوضه‌ی آب هستند، می‌توانند آن را بردارند، گفت: به یکی از این افراد گفتم که این خلاف قانون است. گفت: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. گفتم: یک بام و دو هوا که نمی‌شود. اگر برای شما اصل قرآنی لا ضرر تاریخ مصرفش گذشته، پس به افغانستان هم اجازه بدهید که آب هیرمند را در بالادست برداشت کنند و هامون را بخشکانند.

او توسعه‌ی بی رویه را به عنوان خطر دیگر مطرح کرد و گفت: ما در رفسنجان با این مطلب روبرو شدیم. حدود ۲۷۰ رشته قنات داشتیم که از آب‌های سطح سفره برداشت می‌کرد. در طی ۴۰ سال گذشته تمام سفره را تقریباً بلعیدیم. یعنی ظرف چند سال آینده حداکثر ۲۷۰ حلقه چاه می‌تواند دایر باقی بماند. با این تفاوت که این بار برای برداشت همان میزان آب ۴۰ سال قبل، باید از ذخایر انرژی خود مایه بگذاریم.

او با ابراز تأسف از این‌که قنات را از بین بردیم، گفت: در شروع این دوران در محدوده‌ی جغرافیایی ایران حدود ۳۵ هزار قنات داشتیم. در فلات ایران - ایران بزرگ - حدود ۵۰ هزار رشته قنات به طول جمعی ۳۰۰ هزار کیلومتر کانال زیر زمینی بود، و جمع چاه‌های عمودی این قنات ۳۰۰ هزار کیلومتر چاه بود.

عمده‌ترین معیار سنجش تمدن بشری به سرمایه‌گذاری انباشته در امور زیربنایی به ازای هر نفر شهروند است. این سرمایه‌گذاری در قنات در زمانی که جمعیت ایران ۱۲ میلیون نفر بود، اوج تمدن محسوب می‌شده است. یعنی ما قبل از انقلاب صنعتی اروپا با این مقیاس، پیشرفته‌ترین

ماهانامه پسته - رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران با طرح پرسش پیش روی این کمیسیون مبنی بر این‌که "حالا که در دو سال اخیر بعد از قریب ۱۳ سال باغداری پسته دوباره با صرفه شد، آیا پسته بکاریم یا نکاریم؟" گفت: پاسخ این سوال دشوار است. چرا که پاسخش به فاکتورهای زیربنایی اقتصاد ما بستگی دارد. این فاکتورها هم به خاطر اینکه دست پنهان آدم اسمیت از اقتصاد ایران سال‌هاست که با ساطور "راه رشد غیرسرمایه‌داری" قطع شده، نامشخص هستند. در واقع این متغیرها قبلاً خودشان را با هر انحرافی که پیدا می‌شد، در سیکل‌های منفی فیدبک متعادل می‌کردند.

این سیکل‌ها باعث می‌شود که با بیش از دو یا سه درصد انحراف نتوانید از تعادل خارج شوید، اما زمانی که ما دست پنهان آدم اسمیت را قطع کردیم و دست یک بروکرات را جایگزین کردیم، این انحرافات می‌تواند به سه هزار درصد برسد. کما اینکه در مورد نرخ گاز طبیعی که در محل کارخانه و با هزینه توزیع جمعا ۲/۵ سنت در داخل کشور به صنایع می‌دهیم، همین گاز را آن طرف مرز در مقیاس انبوه و بدون هزینه توزیع، برای هر متر مکعب در سال ۲۰۱۳، به قیمت ۵۵ سنت به ترکیه می‌دهیم.

مهدی آگاه با اشاره به پرسش پسته بکاریم یا نکاریم؟ گفت: اگر سوال کننده کشاورزی باشد که زمین و آب را دارد، پاسخش با کسانی که پولشان را بردند خارج و می‌خواهند برگردانند، یا بردند در کارهای دیگر و می‌خواهند برگردانند به کشاورزی، فرق می‌کند.

او با بیان این‌که در مورد کشاورزی که آب و زمین دارد در اقلیم مناسب است و می‌خواهد بکار، می‌توانیم به او توصیه کنیم که به چه دلیلی بکار و به چه دلیلی نکار.

او در تشریح دلایل توصیه به کاشتن پسته گفت: پسته نسبت به سایر محصولات که یک کشاورز در یک اقلیم مناسب می‌تواند بکار، برای هر متر مکعب آب، بازدهی ارزی بیشتری دارد. یعنی دلار بیشتری به ازای هر متر مکعب آب به دست می‌آید. رقیب نزدیکش را هم مرحوم صنعتی تشخیص دادند؛ گل سرخ برای تولید اسانس است که آن هم عددی نزدیک به پسته دارد.

دلیل دوم، قابلیت نگهداری پسته است. شما اگر سیب‌زمینی بکارید و نخردن به اصطلاح "گواتان زابیده" است. تجربه‌ای که تعاونی پسته داشت، نشان داد که تا چهار سال پسته را می‌شود در انبار نگهداری و ضد عفونی کرد و در سال پنجم به جای پسته نو فروخت.

رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران با تأکید بر این‌که این مطلب را به عنوان نکته منفی مطرح نکردم، خاطر نشان کرد: این واقعیتی است که اگر بادام زمینی را نگه دارید بوی ماندگی پیدا می‌کند و اسیدهای چربش اکسیده می‌شود. چربی پسته و بادام به سادگی اکسیده نمی‌شوند. این امتیاز بسیار بزرگی برای پسته است. یعنی



کجاست آن مرد امروز؟! (تشویق حضار)

او در بخش دیگری از سخنان خود به مصادیق تخلف در فروش ارز اشاره کرد و گفت: در شرکت سیمانی که مقداری سیمان به عراق می‌فروخت؛ خریداران وجه نقد دلاری را به حساب بانک ملی اهواز ریختند تا در کرمان به شرکت نقدا پرداخت شود. هر زمان به بانک ملی کرمان نامه می‌نویسند، پاسخ می‌گیرند که فعلا پرداخت نقدی وجه مقدور نمی‌باشد. این‌گونه رفتار بانک‌هاست که عدم اطمینان به وجود می‌آورد.

او در بخش دیگری از سخنان خود به اجرای طرح انتقال آب از خلیج فارس به استان کرمان اشاره کرد و گفت: بر اساس محاسبات طرح مشابه در کالیفرنیا و محاسبه‌ی انرژی مورد نیاز جهت انتقال آب به ۱۸۰۰ متر بالاتر از سطح دریا، این آب برای هر متر مکعب ۳ دلار هزینه دارد. من از جناب آقای حسین مرعشی شنیدم که با دلار ۲۵۰۰ تومانی چیزی حدود ۷۸۰۰ تومان هر متر مکعب آب هزینه دارد. نرخ ایشان کمی از نرخ من بالاتر است.

من حساب می‌کنم که ما در ۴۰ سال گذشته سالانه حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب برداشتییم. آب برداشتی از رفسنجان سالانه ۵۰۰ میلیون متر مکعب از ذخائرمان بوده است. در مدت ۴۰ سال می‌شود ۲۰ میلیارد متر مکعب. اگر در هر متر مکعب ۳ دلار ضرب کنیم، هزینه‌ی جانشینی این برداشت ۶۰ میلیارد دلار می‌شود که این مبلغ حدود ۲ برابر فروش کل پسته‌ی رفسنجان در این ۴۰ سال به قیمت‌های امروز بوده است. یعنی اگر همه‌ی پسته‌ی ۴۰ سال گذشته رفسنجان را نگاه‌داشته بودیم و به قیمت امروز می‌فروختیم، نمی‌توانستیم بیش از نیمی از آب برداشت شده را از خلیج فارس به رفسنجان انتقال دهیم.

قسمت آخر، قیمت انرژی داخلی ماست. گاز و نفت را که به هم تبدیل کنیم هر متر مکعب گاز معادل یک لیتر نفت انرژی دارد. میزان برداشت انرژی فسیلی ما روزانه معادل ۶ میلیون بشکه نفت است. کل ارزش این برداشت ۲۲۰ میلیارد دلار در سال است. ۶۰ میلیارد دلار از این مبلغ از محل صادرات و فروش داخل اخذ و مابقی یعنی ۱۶۰ میلیارد دلار سالانه به عنوان سوبسید پنهان هم‌اکنون در اقتصاد جامعه تزریق می‌گردد. این سرانه‌ی ۲ هزار دلار یارانه، چه مقدار آن به اهالی مناطق محرومی نظیر سیستان تا کنون تخصیص یافته است؟ آیا من به عنوان یک مرفه شمال شهری که در این ۴۰ سال میلیاردها تومان از این یارانه سهم بردم، روزی خواهد رسید که دین خود را به محرومین ادا کنم؟

او افزود: در پایان می‌خواهم از جمع حاضر نظرخواهی کنم که آیا موافقت از این ۱۶۰ میلیارد دلار تقدیمی دولت به ملت، ۲۰ میلیارد دلار آن را به دولت برگردانیم و در عوض وزارت با عظمت دارایی را با تمام متخصصانش که قرار است با رنجش مردم انشاءالله در سال جاری به همین میزان درآمد دست یابند، به کار خدایسندانه‌ی بگماریم؟ فقط یک دولتی کوچک و کارا توانایی اصلاحات اقتصادی را دارد.

فاضلاب‌هایی در شهرهای اروپایی تبدیل کردم. آگاه با اشاره به عواقب ناخواسته سوبسید انرژی در ایران، به عنوان نمونه گفت: با این کار این امکان داده می‌شود که یک نفر مثل خفاش شب در شهر با بنزین ارزان بچرخد و خلاف مرتکب شود. یعنی ما به این خلاف سوبسید می‌دهیم.

او با اشاره به نرخ ارز گفت: ما دو نرخ ارز داریم؛ ثابت و شناور. در ایران بر تنها کالایی که آدام اسمیت را نمی‌شود مسلط کرد، نرخ ارز است. یعنی یک ساطوری به نام نفت را می‌دهیم دست جناب وزیری می‌گوییم که هر زمان که گفتیم، روی دست آدام اسمیت بزن.

آگاه در تشریح این مطلب گفت: روزانه یک فرد با یک کیف پر از دلارهای نفتی و گازی که هزینه استخراجش پنج سنت در دلار بوده است، به بانک مرکزی مراجعه می‌کند. یعنی از زیر زمین ذخائر را برمی‌داریم قیمت ذخائر را حساب نمی‌کنیم و هزینه برداشتش را از زمین، هزینه تولید حساب می‌کنیم. این تولید نیست گنجی است زیر پای شما، خم می‌شوید و برمی‌دارید.

او افزود: من هم که صادرکننده‌ی پسته هستم و ۹۷ سنت برای فروش یک دلار آن به خارج خرج کرده‌ام و چک آن را در بازار تهران پرداخته‌ام، همراه با کسی که کیف دلارهای نفتی را دارد، به بانک مرکزی می‌رویم و هر دو هم می‌خواهیم دلارهای خودمان را بفروشیم.

او در فروش دلار خود از یک حاشیه‌ی سود ۹۵ درصدی برخوردار است و می‌تواند تخفیف عمده هم بدهد. دلار در دست وزارت نفت همان ساطور است. مشخص است که در این رقابت چه کسی پیروز خواهد شد؛ وزارت نفت یا کسی که دلارش ۹۷ سنت هزینه داشته است؟ تازه یقه‌ی صادرکننده را هم می‌گیریم که مبادا آن ۳ سنت مابه‌التفاوت را در خارج نگاه‌دارد. تو که از فروش هر دلار فقط ۵ سنت آن را باید جوابگو باشی، من باید بیایم مچ تو را بگیرم که قاچاق کنی.

او با بیان این‌که به ارز آدام اسمیتی می‌گوییم ارز قاچاق، به ارز ساطور نفتی می‌گوییم ارز قانونی، خاطر نشان کرد: من با این توضیحات می‌خواستم فقط مشخص شود "ارز شناور مدیریت شده" یعنی چه؟

آگاه با یادآوری این‌که تا حدود سال ۵۳ بانک ملی ایران در بلندترین رتبه‌ی اعتباری بانک‌های دنیا قرار داشت، گفت: سال ۹۱ حدود ۱۸ میلیارد دلار برای کنترل نرخ ارز، دلار ارزان (قاچاق) فروختند. فکر می‌کردند که با پایین آوردن نرخ ارز می‌شود تورم را کنترل کرد.

او ادامه داد: در زمان شاه هم، مرحوم یگانه همین داستان را با شاه پیدا کرد. هوشنگ انصاری در زمان شاه چون پول جمع می‌کرد و می‌خواست پولش را خارج کند، دلش می‌خواست به جای دلار ۷ تومان دلار ۴ تومان بخرد. شاه را گول زد در شورای عالی اقتصاد این تغییر تصویب و به بانک مرکزی ابلاغ شد. یگانه که رییس بانک مرکزی بود، فرمان همایونی را برداشت و میان دو دست خود گرفت و در حضور شاه گفت: اعلی حضرت دستور دهند داستان بنده را قطع (قطع) کنند که من نتوانم این خیانت را اجرا کنم.

می‌گیرد که فولاد از پسته بهتر است. مثلا وزارت نیرو به ما دستور می‌دهد که آبتان را می‌توانید به شرکت‌های فولاد بفروشید ولی نمی‌توانید آب را به همسایه‌تان که مزرعه‌اش بهره‌وری بهتر دارد، بفروشید. این یک کار سلیقه‌ای است؛ همه‌ی کارهای سلیقه‌ای هم ابعاد مناسبات اقتصادی را به هم می‌ریزد.

او همچنین اظهار داشت: بعد از سال ۵۳ با گران شدن نفت در بحران جنگ عراق و اسرائیل، تورم ما دو رقمی شد در حالی که پیش از این، ما تورم اندک داشتیم و حتی رشد اقتصادی ۷ درصدی را هم تجربه کرده بودیم. این تورم دو رقمی در حسابداری ما منعکس نشده است. حسابداری ما حسابداری است که معمولا برای تورم زیر دو درصد در نظر گرفته می‌شود. عواقب این وحشتناک است.

او ادامه داد: همه سوال می‌کنند که چرا نقدینگی ما در دست مردم است و صنایع همگی زیر وامی غیر قابل پرداخت قرار دارند و همه‌ی صنایع بزرگ ما ورشکسته‌اند؟ علتش این است که در تمام ۴۰ سال گذشته اموال شرکت‌ها را به ارزش دفتری در روز خرید، ثبت کردیم. مثلا شرکت‌های هواپیمایی ما یک هواپیمای ایرباس را در دفتر هفتصد میلیون تومان ثبت کرده‌اند که در روز خرید معادل ۱۰۰ میلیون دلار بوده است. در این فاصله ۴۰ سال، جمع اندوخته ذخیره استهلاک این هواپیما ۷۰۰ میلیون تومان است. امروز این هواپیمای ایرباس قابل پرواز نیست، برای اینکه مصرف سوختش بیش از حد هواپیمای رقیب است. مصرف سوخت هم در هواپیما مهم‌ترین عامل است. چیزی که به دست آمده یک هواپیمای اسقاطی و ۷۰۰ میلیون تومان ذخیره استهلاک است.

او یادآور شد: در این مدت سود واهی شناسایی، مالیات آن پرداخت و مابقی به عنوان سود سهام تقسیم گردیده. تازه هیأت مدیره و مدیر عامل بخاطر سودآوری شرکت پاداش گرفته‌اند. امروز با این ۷۰۰ میلیون تومان حتی چرخ یک هواپیمای ایرباس را هم نمی‌توان خرید. یعنی به جای مال، چرخ مال مانده است. چنین شرکتی برای پوشش ورشکستگی خود ناچار هر روز دست به دامن وام بانکی غیر قابل ادا می‌شود.

او با تأکید بر این‌که الان آب در کشاورزی استهلاک دارد، گفت: چاهی را که امروز در منطقه انار ۱۰ میلیارد تومان ارزش دارد، می‌توان به جرات گفت که در ۵ سال آینده آب آن نصف خواهد شد. بنابراین باغی که از این چاه‌ها آبیاری می‌شود علاوه بر هزینه‌هایی که فعلا مورد محاسبه باغدار قرار می‌گیرد، سالیانه یک میلیارد تومان هزینه‌ی استهلاک این چاه است.

آگاه به قیمت داخلی انرژی به عنوان یک فاکتور مهم اشاره کرد و گفت: سوخت ارزان موجب این می‌شود که استخراج آب از عمق ۳۰۰ متری زمین صرف کند و تقاضا برای گرفتن مجوز حفر چاه عمیق زیاد شود.

او ادامه داد: من خودم را یک صادرکننده موفق می‌شمردم در حالی که با کمک ذخائر نفتی که به قیمت ارزان به من داده می‌شد، ذخائر آبی مملکت را از بین بردم و به